

## سرودی از چریکهای فدائی خلق

آهنگ : سرود جوانان ( فرزندان همرات ۱۰۰۰ )

بزم آوران ایسران ما در راه سرودم جان بازاریم  
بزرگان منگساران یسرودم آزادی انسرانیم  
توده پیشوی آزاد ایسران پیشوی آبشار  
توده بهیسا غمیز توفان برانگیز برکن بنای ستم  
ره کنسای راه توده ( رزم ماست )<sup>۱</sup> انعکاس خشم توده ( عزم ماست )<sup>۲</sup>

ما چریکهای فدائی خلقی ایسرانیم  
ره کنسای راه توده ( رزم ماست )<sup>۳</sup> انعکاس خشم توده ( عزم ماست )<sup>۴</sup>

بنگشاد دوم

سرور میزند خورشید از یسی تیرگیهای شوم  
رهسد از بند بیداد خلغ محروم این مژ و بوم  
انگسرن هنگام جنگ است نسای هنگام درنگ است

نسا بر نخیزی نسا خون نسوزی در دهن نگردد زوی

ره کنسای راه توده ( رزم ماست )<sup>۱</sup> انعکاس خشم توده ( عزم ماست )<sup>۲</sup>

ما چریکهای فدائی خلقی ایسرانیم

ره کنسای راه توده ( رزم ماست )<sup>۳</sup> انعکاس خشم توده ( عزم ماست )<sup>۴</sup>

## مبارزان در بند

صورت ده ای از زندانیان چریکهای فدائی  
خلغی ، ستاره سرخ آرزوان خلقی و  
ظلمتین ، مجاهدین خلقی ، سازمان  
رهائی بخش و دیگران که در دست دشمن  
اسیرند بترتیب تقریبی امارت شرح زیر است :

الف - از اولین دسته زندانیان که در سال ۴۶  
بازداشت شدند و گروه سیاهکل و چریکهای فدائی  
خلق با آنها مربوط شد :

ببین جزئی ۱۵ سال - حسن طبرسی  
ایند مشرف کاتوی ۱۰ سال - عزیز  
سرودی ۱۰ سال - عباس موری ۱۰ سال -  
ایسرح افشار ۱۰ سال - محمد جویانزاده  
۱۰ سال

ب - از گروه فلسطین که در سال ۴۸ بازداشت شدند

شکراله پاک نژاد - مسعود بطحانی  
ایند ناصر کاخماز - محمد رضا  
شاکوش ایند - بهرام شاکوش ایند -  
انزلی ایند - ملاحت زنجیر ایند

ج - چریکهای فدائی خلقی از ۴۹ به بعد :  
حسین خورشیدی - عوشنگ دلخواه ارد -  
ایسرح نیسری ایند - محمودی ۱۰ سال -  
نور بخش ایند - علی دلیل صفائی ۱۰ سال -  
محمود حسن پور ۵ سال - عطوفی حسن پور ۵ سال -  
عبد الکرم صوری ایند - علی نظهر مریدی  
ایند - شهبان توگسی ۱۰ سال - انور

د - هفتاسی ۱۰ سال - رفیع برانگسری ۱۰  
سال - حمید ارضی ۱۵ سال - حسین  
گشاهی ایند - بهمن راد مرخ ۱۰ سال -  
بهرام قبادی ایند - محمد آتاجانی ۱۰ سال -  
ایسراهم دل انورده ۱۰ سال - محمد علی یزوی  
مانده در صفحه دوم

تخصصی در شماره

## خصوصیت سازمانی و

## مبارزاتی جنبش مسلحانه

اوج مبارزات انقلابی ایران علیه رژیم فاشیستی و خودکامه ، در سنگ  
مبارزات مسلحانه و پراکندگی و گسترش این مبارزات و ارتباط و پیوند آن با  
مبارزات توده های محروم و زحمتکش هر روز بیش از پیش تحت نظرات چریکها  
یعنی پیشروان جنبش اخیر را تأیید میکند . ما مسلحان آزادیخواهان  
در شرایط کنونی و هم چنین توضیح خصوصیت سازمانی و مبارزاتی جنبش  
مسلحانه و پیرویه تکاملی این جنبش و پیوند آن با توده های زحمتکش یعنی  
کارگران که خود نیروی سازمانی و مدافعان ک به بررسی این مطلب  
میپردازیم :

در زمینه امر سازمانی انقلابی که افراد و سازمانهای انقلابی رهبر  
مبارزات مسلحانه ضمن اعلامیه ها و رسالات خود نظرات خویش را  
بیان کرده اند . آنچه در تمام این نظرات مشترک است اینست که سازمانها  
مبارزه مسلحانه در شرایط کنونی بایستی بصورت گروه های جدا از هم تشکیل  
و حیاتی میبایست خویش را به دست و مسئله وحدت را ضمن مبارزات خود  
در میدان مبارزه تأمین نمایند . از میان این نظرات رساله " آنچه یک  
انقلابی باید بداند " ( نوشته علی آگر صفائی فراهانی - یکی از  
بنیان گذاران سازمان چریکهای فدائی خلقی ) مسئله سازمانی را به روشنی  
ترسیم کرده است :

" تشکیل گروه یا هسته انقلابی یعنی سلولهای سیاسی - نظامی در داخل  
کشور و تشکیل مراکز رهبری و هماهنگ سازی این گروه ها در خارج کشور  
اولین گام و در عین حال مهمترین گامی است که باید برداشته شود . . .  
و سپس در هر هسته انقلابی توضیح میدهد :  
" . . . هسته انقلابی شبکه مرکزی است که میتوان از سه نفر تا حد اکثر  
چند نفر سازمان داد . تشکیل شبکه یعنی برانگازات محدود  
افراد است که باهم روابط طبیعی اجتماعی دارند . مثل افرادی که در  
یک مدرسه ، دانشگاه یا دانشگاه کارخانه یا محله یا اداره و بازار  
با هم در زندگی روزمره سروکار دارند . . . . . هسته انقلابی در مرحله  
اول حیاتی خود تدارک نیروهای انسانی و مالی و نظامی خود را خود باید  
بدهد و بکند و برای تدارک نیروی انسانی نباید با دیگر سازمانها و  
گروه ها در داخل کشور تماس برقرار کند . برنامه ای که هسته باید اجرا  
میکند باید بیشتر جدی یعنی بر نیرو و امکان خود نباشد . . . . .  
سازمانهای کوچک و محدود در مقابل پلیس پخوس سلامت کرده و غیر قابل  
تفویذ خواهند بود و بر فرض تفویذ پلیس شکست باعث فاجعه غیر قابل  
جبران در حیات سیاسی جامعه نخواهد شد . "

در مورد اهمیت مجوز بودن هسته ها به تئوری انقلابی و لایق وحدت  
اراد و تکرار بین افراد هسته که یکی از ضروریات هر هسته است رساله  
چنین میگوید :

مسئله در صفحه ششم

ایستادگی تقی افغانی ایستادگی ملی تومانی آید - رضا حاجیان ۳ سال - حسن فرزانگان ۳ سال - بیروز خلی ایستادگی و همکاران خودمندی و شورشها - ایستادگی - ایوب مومنی ۳ سال - ماهی ۳ سال - نصرالله جویانخست ۴ سال - سهراب مومنی ۵ سال - احمد رضا شماعی ۱۱ سال - ناهس ۱۱ سال - ایوب ایستادگی - جواد اسکویی ایستادگی - عبداله آهنگری ۱۲ سال - نورالدین ۹ سال - ۱۰ سال - کریمیان ۱۰ سال - حمیدیان ۱۰ سال - غلامحسین فرزند ۲ سال - بیروز سلیمانی ۳ سال - ایستادگی - ایستادگی - عبداله احمدزاده ایستادگی - بیروز احمد زاده ۵ سال - اینها و برادران خود زاده و بیروزی هستند - رضا نصی ۱۰ سال - محمد دهقانی ۴ سال - رضا عنبرانی ۴ سال - عدای از این گروه بلا تکلیف اند از آن جلسه فرخ نکمستر (قبلا همراه گروه ۱۴ نفر دستگیر و محکوم شد و پس از چند سال آزاد شد در حال گذشت دولت افغانستان او را به مقامات سازمان امنیت به ۵ هزار تومان فریخت) سلطان محمد جعفری - محمود راهگل - علی خانی - صالح - سهراب افشار قاسمی - غلامرضا بیگلرلی و دیگران - هم چنین از این گروه حسن جعفری و احمد - احمدی در دو دادگاه با عدم محکوم شده بودند که با یک وجه تخفیف برزند آن ایستادگی محکوم شدند هر دو تن مبارز در دادگاه دفاعی جانانده و عالیسی گردید .

د - از گروه ستاره سرخ : علی شکوهی ایستادگی - احمدیان ایستادگی - حسین هاشمی ایستادگی - محمد فارسی ۱۰ سال - عباس توفیق ۱۰ سال - هدایت اله غفاری ۱۰ سال - عزیز غفاری ۱۰ سال - فرخ اله سرکوهی ۱۰ سال - مهذبزاده ۱۰ سال - هادی غفاری ۱۰ سال - حسین سحر خیز ایستادگی - اسماعیل مابیدی و عبداله قربانی و ده دیگر بلا تکلیف هستند .

ه - از آرمان خلعتی : محمد دست پیروزه ایستادگی - حقیقت ۱۰ سال - و از سازمان مجاهدین خلق ایران : مهذب علی تشید آید - مهذب سهراب رحیمی آید - موسی نصر اولی آید - مهذب سرحمد مهذب کاشانی آید - بهمن بازرگانی آید - فتح اله خامنه ای آید - ناصر معاونی آید - مهذب سعید علی محضی آید - طبرضا زمره یان ۱۵ سال - پرویز یعقوبی ۱۰ سال - محمد صادق ۴ سال - مهذب سعادت اله محاسبی ۸ سال - مهذب سیزدان حاج حمزه ۳ سال - مهذب سرحمد ساجدی یان ۳ سال - وعده دیگر .

ز - از یک سازمان سیاسی - نظامی که در سال ۱۳۰۵ بازداشت شدند : کاظم نادور ۱۵ سال - ملا رضائی کفایت ۱۵ سال - ضیاءالدین طباطبائی ۱۰ سال - ناصر سیزدلی جمال - علی زاده و چند تن دیگر .

ح - افراد سازمان رهایی بخش که در انتظار محاکمه اند و خطر اعدام برای عدای از آنها وجود دارد :

سیروس نیایندی - داود ایزدخواستی - احمدی - کمانی - اکبر انزلی پناه - محمد جلالی - مصدوم مولانا زاده - حسین نیایندی - فاطمه نسیانندی - کوروش بیگانی - کاوه ران رفیعی - حسین کوهفر - سید ی کرامی فرید - اسکندر جلالی - مرتضی محمد پور - اردلان .

ط - یک هفته سیاسی - نظامی کوچک در شمال در سال ۱۰۰ (آبان ماه) بازداشت شده اند . این عدای سه طایفه نصرت و فرمانداری لنگرود و آتش زده اند و در زندان رشت بسر میبردند . افراد این گروه عبارتند از :

محمد فرجندی (دبیلچه) - احمد غلامی (شیاطل) علی نطق جیان (دانش آموز) - پوریکا (دانشی) آویز - این فرد برادر پوریکا می باشد (مست) . ی - یک گروه مطالبه های سیاسی در شمال بازداشت شده اند و در زندان رشت بسر میبردند ؛ خسرو رمانی (دبیر) - شعبان رنج کنگر (دبیر) اسمعیل باقری (معلم) - مهدی باقری (دانشجو) ی نوری (معلم) - احمد صالحی (دانش آموز) - احمد مرادی (معلم) - گداهلی خباز (کارگر) - حسدانی (سیاهیسی) و چند تن دیگر .

ک - یک هفته سیاسی دیگر در رشت ؛ مسعود ابراهیمی فر - رضا فایق لوز - ناصر زرافعی - چاروشی - این افراد همه دانشجو و دانش آموز هستند و در پناه ۵ بازداشت شده اند .

ل - یک گروه سیاسی دیگر در گیلان بازداشت شده اند ؛

بهزاد کرگانی (دانشجوی پزشکی مشهد) - سیروس قهرنیا (کارمند) - رحیم شیخ زاد (سیاهیسی) - فتحعلی زاده - نوران کلنگی - نیک پیام (همسر مه نذر دانش آموز هستند) - رضا تربیتی - میقاته شفاعت دستگیر دانشجوی فنی تهران - طبرضا ایران منش - محمد رضا نوقی زنده - جواد شایان و مجتبی ولی زاده و سیروس جاویدی و عزیز حرمه در ناصر (هر چهار نفر دانشجوی فنی تهران) طبرضا ادوات پورتن - علی نیلجیان - علی کاوندی و عدای دیگر که همه در زندان رشت هستند .

م - یک گروه سیاسی در تهران اوائل تابستان ۱۰۱ بازداشت شده اند ؛

عبدالمجید روشنگر (دانشجوی پزشکی) - اسماعیل بهیودی (پزشکی) - جواد شایان (دانشجوی فنی) - حسین کریمی - احمد صفزاد - ابراهیم خیسری - محمد علی بیگلر - غلامرضا مرادیان - ابراهیم سلیمی بروغین - اسکندر لطیفی - صادق قنبریان - تره کار - حسین راهمی پیروز و چند تن دیگر .

ن - یک هفته سیاسی در تهران بازداشت شده اند مصطفی مدنی (دانشجو) - کاظم صدقی نژاد - احسان روحانی - اخلاقی و چند تن دیگر .

ت - یک گروه سیاسی در اسفند ۱۰۰ بازداشت شده اند ؛

حسنت لاریجانی - مسعود مدنی - کریم ختاپ - علی لاری - هوشنگ طلی اکبر - جواد واکار - حسین هاشمی - حسین فریدوس - رستم بروی - حسین جنت - احمد بیروزخواست - حسین ریاحی - علی اله نصیری و عدای دیگر .

ث - عدای از دانشجویان کشاورزی که به علت فعالیتهای علمی و سیاسی بازداشت شده اند ؛ احمد کابلی - عبد الرحیم خسروی - حسن طباطبائی منصور شاد کریمی - پیران خسروی - مجید علیزاد - اصغر زاهدی - حسن شاعرینی - غفایر مهدی - طبرضا شهبانی - علی کریمی - مهدی حاج حنفی اشعری باقری - میوه جندی - هاشم بهائی - سعید رادشانی - علی قوامی - محمد رضا محمودیان - علی سرگراتی - جندی - علی یارمحمدی - بیروز یادگاری .

ث - عدای از طلاب قم (مدربان فیزیکی) بازداشت شده اند ؛

محمدی پیر - خزانلی - شایان - ربیعی - رضایی - حجازی - سعادت - زند - وکیل - محمد یقوای - کاکائوس .

ص - عدای که به علت فعالیتهای سیاسی مدعی بازداشت شده اند ؛

جواد صفیری - راستگو - رشیدی - واعظی - مهدی بخارانی (برادر مرحوم محمد بخارانی شهید) - محمد کزازی - احمد جباری .

ض - از گروههای پراکنده و افراد زیر محکومیت منگین گرفته اند ؛

بیتون چهارازی ۱۲ سال - علی عسکری ۱۰ سال - علی رضا مهدی ۴ سال .

منتشر شد :

نوشته :

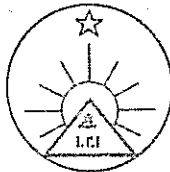
علی اکبر صفائی فراهانی

(برادر واد جبرئیل مسگر در سرد ساخت)

آچه یک انقلابی باید بداند

ضمیمه :

در خدمت  
جبهه  
آزادی بخشش  
ملی ایران



۱۹  
ببین

نابود باد سلطه دهنشانه شاه این عامل ارتجاع و امپریالیسم

# مختصری در باره شکنجه

در میان مردم ایران، در این سالها شکنجه بدست آوردن از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر گردید. از آنجا که این سنده و بخاطر توضیح و شرح شکنجه های رژیم و نحوه برخورد سازمانهای مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقایسه و تیراندازیهای شیمی در مقابل این مسئله و روشهای چنانچه این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار است.

در روزهای ماه و اعلامیه ای منتشر گردید که عنوان آن «سند شکنجه نیکو» بود. همه اشخاص در ایران با و اراد و با بر این روشها، پاره ای شکر و پاره ای زهر بودند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان مجاهدین و نمایان در بر روی مقاومت فردی نموده است. سازمان باید خود را طوری شکل دهد که هر آنچه ضروری از آن با قدرت رفت بتواند تمام ارتباطات و آگاهیه های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده اند در زیر شکنجه چیزی را نماند. کز به سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدست زنی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدست زنی منوط است به بدست زنی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راهها توانا میزند تا بدینسان خدای مجرب نماید بری میان خود و پادشاه. هر چه این بدست زنی اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدست زنی در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زنی سازمان نخواهد خورد.

تعیین مدت زمان «باید اوری» دارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان صورت باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه های «آریا مهری» میزند از شکنجه های گردانین در زندانهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی اسیر شد او را در اطاق میزند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. اسیر را با مشت و لنگ بیکدیگر میزدند که منجر به خونریزی و شکستن اعضای اسیر میشود. نتیجتا اسیر از هوش بیرون میآید و با کوبیدن و این اعمال را بعدت هفتالی هشت ساعت ادامه میدهند. چریکها نام این اطاقها «اطاق قویسمال» گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با انقلاب ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده همراه با بیخوابی و زهر فراوان میرسد. از آنجمله که چریک مقاومت اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بهشت خمکی عرض میروند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبه حاصل نشود عملیات بعدی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی مقل برق است. شکستن اعضا، شلاق زدن بگالیا و غیره است. شروع میوند که آه تا چند ساعه ادامه دارد. این اختراع است برای انقلاب ضد استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناپدید محصل شکنجه های آریا مهری را نمودند. حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدینگونه که در روشی راه خود به حقایق انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین «مدل پهلوی» در ناگورین شکنجه ها شلاق زدن با کابل برق به گالیاست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هر حال اینها زخمها باز میشوند خونریزیهای شدیدی بوجود میآید و یا زهر میزند و راه رفتن به تیرین حد است. در بعضی موارد کف یا تاسا

در میان مردم ایران، در این سالها شکنجه بدست آوردن از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر گردید. از آنجا که این سنده و بخاطر توضیح و شرح شکنجه های رژیم و نحوه برخورد سازمانهای مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقایسه و تیراندازیهای شیمی در مقابل این مسئله و روشهای چنانچه این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار است.

در روزهای ماه و اعلامیه ای منتشر گردید که عنوان آن «سند شکنجه نیکو» بود. همه اشخاص در ایران با و اراد و با بر این روشها، پاره ای شکر و پاره ای زهر بودند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان مجاهدین و نمایان در بر روی مقاومت فردی نموده است. سازمان باید خود را طوری شکل دهد که هر آنچه ضروری از آن با قدرت رفت بتواند تمام ارتباطات و آگاهیه های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده اند در زیر شکنجه چیزی را نماند. کز به سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدست زنی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدست زنی منوط است به بدست زنی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راهها توانا میزند تا بدینسان خدای مجرب نماید بری میان خود و پادشاه. هر چه این بدست زنی اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدست زنی در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زنی سازمان نخواهد خورد.

تعیین مدت زمان «باید اوری» دارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان صورت باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه های «آریا مهری» میزند از شکنجه های گردانین در زندانهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی اسیر شد او را در اطاق میزند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. اسیر را با مشت و لنگ بیکدیگر میزدند که منجر به خونریزی و شکستن اعضای اسیر میشود. نتیجتا اسیر از هوش بیرون میآید و با کوبیدن و این اعمال را بعدت هفتالی هشت ساعت ادامه میدهند. چریکها نام این اطاقها «اطاق قویسمال» گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با انقلاب ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده همراه با بیخوابی و زهر فراوان میرسد. از آنجمله که چریک مقاومت اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بهشت خمکی عرض میروند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبه حاصل نشود عملیات بعدی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی مقل برق است. شکستن اعضا، شلاق زدن بگالیا و غیره است. شروع میوند که آه تا چند ساعه ادامه دارد. این اختراع است برای انقلاب ضد استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناپدید محصل شکنجه های آریا مهری را نمودند. حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدینگونه که در روشی راه خود به حقایق انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین «مدل پهلوی» در ناگورین شکنجه ها شلاق زدن با کابل برق به گالیاست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هر حال اینها زخمها باز میشوند خونریزیهای شدیدی بوجود میآید و یا زهر میزند و راه رفتن به تیرین حد است. در بعضی موارد کف یا تاسا

در میان مردم ایران، در این سالها شکنجه بدست آوردن از جانب سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر گردید. از آنجا که این سنده و بخاطر توضیح و شرح شکنجه های رژیم و نحوه برخورد سازمانهای مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقایسه و تیراندازیهای شیمی در مقابل این مسئله و روشهای چنانچه این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار است.

در روزهای ماه و اعلامیه ای منتشر گردید که عنوان آن «سند شکنجه نیکو» بود. همه اشخاص در ایران با و اراد و با بر این روشها، پاره ای شکر و پاره ای زهر بودند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان مجاهدین و نمایان در بر روی مقاومت فردی نموده است. سازمان باید خود را طوری شکل دهد که هر آنچه ضروری از آن با قدرت رفت بتواند تمام ارتباطات و آگاهیه های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده اند در زیر شکنجه چیزی را نماند. کز به سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدست زنی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدست زنی منوط است به بدست زنی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راهها توانا میزند تا بدینسان خدای مجرب نماید بری میان خود و پادشاه. هر چه این بدست زنی اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدست زنی در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زنی سازمان نخواهد خورد.

تعیین مدت زمان «باید اوری» دارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان صورت باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه های «آریا مهری» میزند از شکنجه های گردانین در زندانهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی اسیر شد او را در اطاق میزند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. اسیر را با مشت و لنگ بیکدیگر میزدند که منجر به خونریزی و شکستن اعضای اسیر میشود. نتیجتا اسیر از هوش بیرون میآید و با کوبیدن و این اعمال را بعدت هفتالی هشت ساعت ادامه میدهند. چریکها نام این اطاقها «اطاق قویسمال» گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با انقلاب ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده همراه با بیخوابی و زهر فراوان میرسد. از آنجمله که چریک مقاومت اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بهشت خمکی عرض میروند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبه حاصل نشود عملیات بعدی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی مقل برق است. شکستن اعضا، شلاق زدن بگالیا و غیره است. شروع میوند که آه تا چند ساعه ادامه دارد. این اختراع است برای انقلاب ضد استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناپدید محصل شکنجه های آریا مهری را نمودند. حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدینگونه که در روشی راه خود به حقایق انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین «مدل پهلوی» در ناگورین شکنجه ها شلاق زدن با کابل برق به گالیاست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هر حال اینها زخمها باز میشوند خونریزیهای شدیدی بوجود میآید و یا زهر میزند و راه رفتن به تیرین حد است. در بعضی موارد کف یا تاسا

افتخار بر اشرف دهقانی، همایون گتیرانی، ناپسندل و بدیع زادگان

# چرا سرتیب طاهری اعدام شد

## پنجم - نما و پنجم فلسفین تهرمان ایران

بوا لاجرم اعدام بود ؟ پنجم روز یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۰۶ در ساعت ۶ و ۱۰ دقیقه حکم دادگاه انقلابی طاهری در مورد سرتیب محمد طاهری صادر شد . سرتیب یک گروه از جوانان تهرمان بود که با گروهی دیگر در ۲۰ مرداد ۱۳۰۶ در خیابان گلزار گلوله فرار کردند . طاهری و سایرین به دست پلیس متبایگانه خود بازگشتند .

طاهری کسب چه سودی ؟ باستانون منافع چه کسانی را بگردان داشت ؟ دستپاچه و بیگانه تاجایی بخون چه کسانی آغشته بود ؟

۹ سال از تیرام خونین ۲۷ مرداد ۱۳۰۶ میگذرد . همه در آن روز خونین سرنگی درم لاجرم پلیدی و آدمکش را دیدند که با تاجایی سایر بگمته جوانان تهرمان در راه رسید آنها مردم بی گناه را بی حسابا بکشتند و گلوله فرار میدادند . در آن روز خونین طاهری تا پیش تکلیف در دست و پاها شکست . خونها ریخت و دانهایی سوزنده بر دل طاهری کاشیدند . طاهری به های بیستادار و داغدار و بی سرورست کرد . و بیاسی همه این سناکیها بود که لاجرم بدرجه سرهنگی ارتقاء پیدا کرد . در آن روز خونین نهمه خرداد تنها مردم توانستند بگریه دروغ در پشتوان شوق کنند که بعد از ساعتی بعد با غمی زیادتر و کتب بر لب آوردند . دوباره میدان آمد و انتقام بگرفتند و فریادها برآوردند . جناپنها را این ناظر را شهیدکس از یاد نبرد و همه این سناکیها از تنگنمایی بر تیرام انتقام مردم دور نماند . هیچکس کشتار بیرحمانه مردم کفن بوی و راهی با دست این تاقتل حرفه آید و این سناکه روزی در روزتای نهمه خرداد ۱۳۰۶ از یاد نخواهد برد .

لاجرم در آن روز در تهرمان جاده چکمه بیوی خیابانهای تهرمان در روزهای خونین خرداد ۱۳۰۶ در تهرمان ست و حتی باستاد منافع سرمایه داران غارتگر و وابسته داخلی و خارجی در حله به کارگران بیگناه کارخانه چینی و جهان جیت دیده ایم . همان طاهری قابل که براحتی آب خوردن مدعا نشر را در خرداد خونین بگلوله بست بسرعت یک پنجم بهزدن اعتراض آرام و ملولمانه کارگران بیگناه جهان جیت را که بنا بر نتایج اعتراضی نا بوی بر دست مردم خود صبرت گرفت بود . جمالی آرا و نراسنگی در راه کریم با رکبای مسلط بفاک و خون کشید و دنیا غنای خود فقیر و فرزندان معصوم آنها بی سر برست گذاشت .

طاهری قابل همان کسی بود که با خیریت چکمه های جان خوب منزل آیت الله خمینی را در هم شکست و در حله مسلحان را باسارت برد و عصمت بر این گستاخی و پلیدی بی با لید .

طاهری قابل همان کسی بود که در مقام فرماندهی گارد وحشی شهربانی و پلیس ضد اغتشاش با حله به ده تنگانه صنعتی سخن دانگانه را از خون داغجویان آزاد بخواره گلگون کرد و همان روز در شکسته گاه شهربانی آنها را بقتل و شکسته بست .

طاهری همان کسی بود که در حلهات مکرر بدانتگاه تهرمان در واسنگهای تربیت شده اند . کما نود طای گارد شهربانی مسلحانه دانگانه را دور میزد و با با ترم و گاز امله آور و گناه خود و سیر داغجویان آزاد بخواره را بگناه و خون کشید . هیچکس چهره طاهری جمالی بیسترا در حله بدانتگاه تهرمان و منصفی از یاد نبردند . اسلحه کتبی بیسترا بیای او در مورد دختران شهربانی دانستند . و هیچکس بیای علیه سایر داغجویان تهرمان دانگانه در خاردها باقی است . و این همه سناکی بیستطاهری انجام گرفت که طوری قابل و میآید از او بعنوان اغتشاش "موتی" "ججاج" و "توتوت" یاد میکنند و از اغشاران پلیس میخوانند که راه و شخصیت او را سرخ خود قرار دهند .

... و سر انجام لاجرم همان کسی بود که در مقام فرماندهی پلیس ضد اغتشاش و گارد شهربانی سالها بسرکوبی آزاد بخوارهان پرداخت . همه بیاد دارند که چگونه این قابل ظواهرت ضد اسرافیلی را در موشخ مسابقات ایران و اسرافیل سرکوب کرد و عده زیادی را مجروح و زندانی ساخت .

دو سال بدین طاهری قابل پهاوت پلیس تهرمان رسید و بسر ریاست زندانها و شکسته گاههای شهربانی بساو حواله شد و از سال ۱۳۰۶ در نشان فریاد کسیت مشترک ساواک - شهربانی - ارتش باس کمیته تحقیق و قصد خرابکاری علمی تحت کوراهی در تهرمان و دلاور ظن را بعد از ماهها شکسته و حنیانند و حیوانی بتناز رسانند . او نه تنها از شکسته و تمل انتالیبون لست میبرد بلکه از شکسته پدر و مادر پیر انتالیبون تین خورجی میگرد . کاشی بود که مسکاران زیر دستش تنها نژادی در اعمال شکسته و آزار نسبت به مردم و کتله و انتالیبون علمی بقرج دهند تا مواج با ختم فرمانده قاطع حریت شوند .

پلیس همه این سناکیها و جناپنها بود که در پشت پیتر بدرجه سرتیبی رسید . طاهری قابل در همان سال که طوری تا تمام کتله را باها تیرکری عمدتادار بود که همه عمر و تیروی خود را مخصص در خدمت او با ناسخ و شکسته و تمل عام انتالیبون بکار گرفته بود . او نه تنها در تحقیق و سرکوبی انتالیبون تنها شرکت میکرد بلکه حتی در زندان و شکسته گاه هم با قدم از کینه تیزی و جلادی اغشالیه انتالیبون دلاور بست بر نمیداشت . برادریم جناپنها از هیچیک از سناکاران قابل و جانی سرنگ ای نام نبرد ؟ آیا او تنها یک اغشاش ساده شهربانی بود ؟ آیا تنها اغشاش بودن او موجب کفر او شد ؟ مگر ما با اغشاشی بدون اینکه و انما غیاقتی مسلم بود کینه تیبی داریم . بارها اعلام کرده ایم که ما تنها سینه تاجایی را هدف گلوله قرار میدیم که سینه تاجایی ما را هدف قرار دهد .

در باغی که مدین قابل که مرکز میاستخان مدین در میان مردم را ندارد و درود دنیا نثر او را مسافت میکند . از اغشاران کارکنان پلیس میخواند که خراشتنا جوی خودتان را با وج برسانند و از نبات و خونشان برادر حسیط منافع در بار ناسد و غارتگران خارجی و داخلی مایه بگذارند که این دیگر میروا بغود پلیس است که مانده در صفحه پنجم

## مانده از صفحه هشتم

روزنامه سیاسی مسرهم

به دستمال بی نصیبی و بی عملی سازمانهای سیاسی است سرعت جای خود را به اعتقاد به نفس و مقاومت در مقابل رژیم نازیستی برده شد . در این میان رومیه عالی و سرشار از انتشار ناروان و پدران و بستگان سازمان جنبشها در توجه خاص است . پدر و مادر و رفقای از جمله والدی همند که تندی خدائگی و قهرتیبند . مادر رفقای در دادگاه از مهدی شرابست که برآهنتور برین آید و آثار شکسته را نشان دهد . پس از آنکه مهدی دلاورا کشتند . مادرین خانه رفقای را اشتغال کردند تا از برکاری مراسم ختم جلوگیری کنند . اما سوله جمعیتی که در این اطلاع قابل مشاهده را مشاهده کرد . چنان بسود که ساواک و شهربانی قادر به متفرق کردن فری آنها نشدند . در این هنگام مادر مهدی بر پشت باس رفت و خطاب به جمعیت از فرجه چینی گفت . آنگاه آید با تملیبت بعد از آنکه مهدی شهید شد و شهیدان تمامیت بخوراند . تیروله میخوانند . مهدی فقط پسر من نبود . پسر تمام ملت بود و برای آزادی من و وطن شهید شد . من از آنکه آمدند و مسلمان را از دست داده ام ناراحت نیستم بلکه خوشحالم و افتخار میکنم که فرزندانم شهید شده اند . اگر فرزند دیگر داشتم میفرستادم . این مادر دلاور نقشه مجال پیدا کرد که در وقت فرجه با مردم صحبت کند . فری و خول یک دانشجو که در این مراسم شرکت داشت و پانزده یک کتاب حرف زد .

پس از آن پلیس با کمک گرفتن از کلانتریهای اطراف موقت میسرهم مردم را متفرق کند . در همین روز پدر رفقای جارا ( که قبلا هم بازداشت شده بود ) بسنه کلانتری اغشاش میبرد . رفقای کلانتری شروع به پندید میکنند که حق برکاری مراسم شب هفت و چهارم پسرش را ندارد . پدر شجاع در جواب فریاد میزند : من دیگر چیزی ندارم از دست بدم . پسرانم را از من گرفته اند . بد بخت ما شما بزیید . فکسری بهال خیرتان بگنید . مردم را خونری کرده آید . وای پسر شمس ! رفقای کلانتری که از این همه شجاعت و جرات یک پدر بهر دست میآید با تیری و جاپا فکسری میگوید : چشم من دیده دارم . پسر ختم پلیس بر سر شمس است . من حال شما را میفهمم وای چنگار کم که ساواک و بالا بنا دستور داده اند از مراسم جلوگیری کنم .

نمونه این مادر و پدر تهرمان در گذشته نزد یک زیاد بوده اند . مادر سعید آریسن و پدر احمد زاده ما از جمله این شیرانند . افتخار پسر آنها .

## مانده از صفحه نهم

دقتی در باره شکسته

احوال که اسیر نقطه ضعف نشان دهد ، تکیه کرده و فشار میآورد .

و بالاخره اعلامیه با این عبارات شایسته میدهد :

" برای تحمل انواع شکسته ها در این در جهان نیست مگر ایران ، عشق و نفرت . باید رفادار بود و اطمینان داشت که در انسان نیروی است که تا کنون هیچ شکسته و زنجیری کشف نشده است که بتواند آنرا نابود کند . نیروی عشق و ایمان ازین بر عشق باید نفرت داشت .

ما بین خود و دشمن هیچ رفته ای جز رشته کینه و انتقام نباید احساس کنیم . باید دشمن را برایش دشمن دانست . دشمن خود شمای در این اندیشه به من سفوف و قهرانی تسلیم است و چه قهرانی مغربی . میان انقلاب و ضد انقلاب هیچ چیز جز نشیرو نیست و نشیرو را عشق و نفرت به جنسی میآورد . باید از عشق با انقلاب و نفرت به ضد انقلاب لیسریز بود ."

# اطلاعیه نظامی شماره (۴) مجاهدین خلق

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اطلاعیه نظامی ۴

شماره ۴ از صفحه هفتم  
علی‌آباد و پیران های هفتاد...

در ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه دوم مرداد ۵۱  
مجلس شورای آذربایجان در پانزدهمین جلسه در مجلس شورای  
تهران مورد حمله عناصر دشمن قرار میگردد. اوبی  
تمام قوا بمقابلت مسلحانه برنامسته و یک تنه با  
پوناب نارنجک و تیراندازی، نیروهای دشمن  
را مورد حمله قرار میدهد. صفاری بنا بکشته شدن  
های دولتی دست ۴ ساعت با تیربارن تمام و تمام  
آخرین نشانه بی جنگند و سازمان شمشیر میشود.  
مجلس شورای آذربایجان در سال ۱۳۱۳ متولد شد  
پس از طی دوره دبیرستان به نیروی هوایی وارد  
شد ولی به علت سرپر شهر و فعالیت‌های سیاسی از  
ارتش اخراج گردید. سیریزاد دانشکده  
حقوق شد. سپس در سالیگ در سازمان سیاسی  
مخفیانه فعالیت میکرد. در فعالیت‌های سیاسی -  
حقوقی ۴۰ - ۵۰ شرکت کرد. از سال ۴۵  
تمام وقت خود را صرف مبارزه مخفی و تدارک  
مسلحانه نمود. در مصروف خود را نیمه تمام گذاشت.  
پس از بازداشت گروهی از هم‌زمانی در سال ۴۶  
مخفی شد. او همراه صفائی فراهانی به فلسطین  
رفت و در تیریه و تیرباران فلسطینی علیه امپریالیسم  
و صهیونیسم جنگید. بعداً با ایران آمد و برای  
شروع تیریه مسلحانه رسماً دست بکار شد. پس  
از حماسه سیاهکل و جهاد تعلق اگر صفائی  
فراهانی همراه سایر مبارزان ۴ برده‌ی جنینش  
پرداخت و اعدام انقلابی فرسوی خائن را همراه  
با اسکند صادق نژاد تدارک و ایچرا کرد. از این  
زمان سازمان انقلابی تحت نام چریک‌های فدائی  
خلق به فعالیت خود ادامه داد و وحدت بعنوان  
یکی از رهبران و فرماندهان همراه با پرویز پیمان  
و احمد زاهد و وحدت اشرف ۴ سازمان را رهبری  
کردند. صحنه صفاری بارها برای تأمین اسلحه  
مورد لزوم جنینش خارج رفت. او فرماندهی  
شعبه ۴، خوشساز و کم‌حرف بود.

### توسعهٔ منطقه هفتم مرداد ۵۱

در وقت مرداد سه تن از چریک‌های فدائی خلق  
در پایگاه خود در خیابان شهرریز مورد هجوم  
عوامل دشمن قرار میگرفتند و پس از نزدیک چهار  
ساعت تیریه خونین فرخ سپهری ۴ فراموش شریف  
و مهدی فیضی کلام شهادت رسیدند. بنا با اظهار  
پایداری و همین روز چریک دیگری بنام عزت شاهین  
در اثر انفجار مواد منفجره در یک تاکسی ۴ در  
خیابان فردوس ۴ شهید شده است.

### منفجر کردن منارت اردن در تهران

سحرگاه پنجشنبه ۱۲ مرداد ۵۱ ساعت ۵ صبح  
ساختمان منارت سلطنتی اردن در خیابان بفارست  
بوسیله بمب ساعتی نیرومند که توسط یک گروه از  
مجاهدین کار گذاشته شده بود ۴ منفجر میشود.

شدهٔ انفجار بعدی بوده است که شیشه‌های  
ساختمان منارت سلطان نشین سقوط و همان که  
در ۵۰ متری این انفجار قرار داشته خرد میشود.  
توضیح کامل این خبر را در اطلاعیه شماره ۴  
سازمان مجاهدین خلق ایران که در همین شماره  
چاپ شده است بخوانید.

### انفجار ساختمان دفاع غیر نظامی

### انفجار کلب شاهنشاهی

### انفجار فروشگاه سپهرانی

### انفجار تماشاگاه صنایع نظامی

### انفجار پاسگاه قلم

شماره در صفحه هفتم

سحرگاه پنجشنبه دوازدهم مرداد ماه ساعت ۵ و ۵۰ ساختمان منارت سلطنتی اردن در خیابان بفارست منفجر شد  
بسیار سختی نیرومند و هیوان کشنده که توسط یک گروه از مجاهدین کارگزاری شده بود - بند شاسیدید - دستا نظار  
بعدی بود که علاوه بر فرود ریزان دیوار منارت و ریزه آلودن خرد بزرگی در بدنه ساختمان و باره در و پنجره  
آن نیز بطلی در عم شکست. دشمنین در اثر این انفجار تا شعاع ۵۰۰ متر گدیده شیشه‌های ساختمان‌های اطراف از  
جمله سفارتخانه سلطان تالین و سایر بناان خرد شد.

این عمل هیروانه مجاهدین که دستخیزترین حفاظت‌های - بنام است دیدار ملک حسین شاهین و جنا پیکاران  
ایران صورت پذیرفت با سوخت کامل تمام بود و مجاهدین بدون بر جای گذاشتن کوچکترین اثری از خود سالم بیرون  
پا پیکار باز گشتند. بعد از این عمل موفق خود که پلیس بر شدت حفاظت خود افزود و نیروهای حفاظتی سوار شرایه  
چهار بر این اثر پیران -  
این عمل مجاهدین که نشان دهنده اعتراض و عدم خلی تهران ایران علیه توطئه‌های خائنه و خونین -  
ارتجاع اردن و ایران علیه خائنه‌های انقلابی منطقه بود - دست در خطای انجام گرفت که شاه و ملک حسین - ایندو  
جنا پیکار مزدور بیگانه بر سرش اریا با نشان در و بلا تالی تیشیر در حال طرح نقشه‌های جنا پیکاران و دیگری علیه خلق  
شاهی - انقلابی متفلسف بودند.

اعضای توطئه آمیز و خائنه نیروهای ارتجاع و امپریالیسم در منطقه تدارک ایران ترکیه - پاکستان -  
اردن - عربستان سعودی و سلطان نشین مستقر و عثمان بن شد و برای آنها نقش حیاتی پیدا کرده است که همه  
نیروهای انقلابی در یک جبهه کردن فیرد مسلحانه بر ضد ارتجاع و امپریالیسم میکوشند و خرابات کوبنده و منترکی  
علیه نیروهای ضد انقلاب وارد می‌سازند. اوچکوبی انقلاب خلق قهرمان فلسطین علیه ارتجاع اردن و صهیونیسم و  
اوچکوبی انقلاب خلق تهران بنابر علیه نیروهای استعمارگر انگلیس و توکر دست بسته امسلطان تا بوسه‌هاش که -  
اکنون به وسیله شوفاشی خود رسیده است و سر انجام اوچکوبی روز افزون انقلاب مسلحانه خلق ایران موجب اصلی این

اتحاد خائنه و جنا پیکاران علیه خلق‌های انقلابی منطقه است. در این میان ایران بمشابه با پیکار مهم تر  
و استراتژیک امپریالیسم و حلقه اصلی توطئه‌های جنا پیکاران علیه خلق‌های انقلابی منطقه - کانون اصلی این  
موج سرکوبی و ترویر از جنا پیکاران و امپریالیسم خواهد بود - بهمین دلیل انقلابیون ایران در زیر  
شدیدترین موج سرکوبی و ترویر بسیار ارتجاع مسئولیت و تدارک بزرگی در پیش رساندن انقلاب مسلحانه خلق -  
ایران و پشتیبانی از خلق‌های قهرمان فلسطین و تدارک بر دوش خود حسی میکنند. ما میدانیم نیروهای انقلاب  
خلق ایران آخرین تیر خالی ارتجاع و امپریالیسم در حال احتضار در منطقه بوده و مسلماً توطئه‌های خائنه  
- ای که هر روز امپریالیسم علیه خلق‌های انقلابی تدارک می بینند در مقابل ارادهٔ فرزندان ناپذیر خلق برای  
ادامه تیرد انانما می از پیش شکست خورده است.

سکوت و معنی بستگاه‌های تبلیغاتی شاه خائن در مورد این عمل متروانه مجاهدین و سایر علیات  
انقلابی چند هفته اخیر - ظایر انفجار محل سازمان دفاع غیر نظامی - انفجار کلوب شاهنشاهی - انفجار ...  
فروشگاه سپهرانی - انفجار تماشاگاه صنایع نظامی و انفجار پاسگاه‌های پلیس و انفجار اتومبیل‌های  
ارتشی پلیس و خود پاسخ کوبنده ای است در رد کلیه اتهامات و حربه‌های پراکنده بوقسمان تبارستانی -  
و زود نامتوهای کج‌تار و منافق و سوار علیه انقلابیون پاک و شهروان ایران و نشان دهنده وحشت و ترس  
رذیم شاه از وحشت و میسنگی نیروهای انقلابی خلق.

اما اگر کوشش آنقدر لبریز از دروغ و تیرنگی و تهمت باشد که راهی برای شنیدن حقیقت نداشته باشند  
این چشم‌های باز و حقیقت‌بین است که بگذراند و شرافتمند خواهد آمد.

### سجده یک وحدت کلیه نیروهای انقلابی منطقه

### پس‌روزی یاد انقلاب مسلحانه خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع - مرگ بر شاه و ملک حسین خائن و  
مزدور \*

۵۱ / ۵ / ۱۳ " مجاهدین خلق ایران "

### شماره از صفحه چهارم

### چهار سرریب طاهری اعلام شد

به سر انجام عصبه‌ها ضد انقلاب و خائنه‌ها به مردم فکر کنند و با این سرانجام خونین بیندیشند  
در جایشه کارگزاران رژیم جنایت‌پیشه و غارتگر کوشه میکنند که با تهدید و طمع و یادانه‌ی فکر نیات  
دمن یزنده و ترس از خیانته‌ها از میان بگردند و خائنین و خود فروغان و ولین فروشان را بخواب  
- نتواند و بنده‌ها توکرمی خود در اویت که کثیر خائنین در راه کارهای ما قرار خواهند داشت.  
مرگ‌طاهری قاتل - این سنگ پاسدار منافع غارتگران - دشمنان خلق را در ماضی ترس آلود فرو برد.  
مرگ‌طاهری قاتل - همین فرسوی قاتل به دشمنان تم غروره خلق نشان داد که عیب و هر زمان از کوفت خونینی که  
در انانما آنهاست جان سالم بدر نخواهد برد. مرگ این سرکرده‌گان خائن و قاتل هتداری است برای هر کس و در  
هر مقام که فکر خیانته‌ها و دمن به انتقام و انتقامیون یا در سر میبردند.  
شماره است به هر که به از روی دالت و سر سیردی و از روز سرد جوشی و تمام خویشی و به از روی نادانی  
و ضاعت در خدمت ضد انقلاب به انقلاب خلق نیات می کنند.

مرگ بر فاشیسم و عساکر، قاتل رژیم آلت‌نهایی منظر امپریالیسم  
جسودان باد غار، شهیدای قهرمانان  
پس‌روزی یاد انقلابیون ملت خائن ایران  
" مجاهدین خلق ایران " ۵۱ / ۵ / ۱۳



مجلسه هفتم

مختصری در باره خصوصیت سازمانی و . . . . .

واقع یکسال و نیم اخیر ( با وجودیکه زمان کوتاهی است ) نشان میدهد که چگونه اقدامات مسلحانه چریکی روی مبارزات سیاسی و فلسفی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش و روشنگران اثر گذارند و آنها امکان بروز و نمایش داده است . اعتصاب و نظامات خونین کارگران جیت باقی چنان که اعتصاب کارگران پازیشگاه آبادان ، اعتصابات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و سایر اعتصابات و اعتراضات بزرگه و کوچک کارگران و دهقانان در نقاط مختلف ایران و اعتراضات و اعتصابات فرهنگیان و دانش جویان در دانشگاههای سراسر کشور هتکی نشان دهند تاثیر مبارزات مسلحانه در بحرکت آوردن توده های محروم و نیروهای خلق طبقه رژیم شاه است . بیهوده بگر سخن مبارزات اقتصادی و هتکی که روز بروز وسعت میگردد که بدون اثر مسلط مستقیم با گروههای سیاسی - نظامی انجام میدهد بزرگه و این تحت حمایت و تاثیر عمیق جنبش مسلحانه است . جنبش علاوه بر تکیه روی تلفیق مبارزات مسلحانه با مبارزات سیاسی - فلسفی و اقتصادی روزبزه توده ها که باین نکته مهم توجه داشته و هم چنین آماده است که از هر فرصتی که در آید بهره برد آید که بدون غافلگیری در صحنه سیاسی دخالت کرده و تاکنیکهای خود را بسا تغییرات و تحولات سیاسی منطبق ساخته و در عین حال میدان را برای ایرونیستهای چپ و راست خالی نگدارد . بدون اینکه تسلیم خوشبختی خود شده و تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد . در این زمینه -

انلامیسه جبهه آزاد بیخشن ملی ایران توضیح میدهد :

" ما باید از کلیه نمایان مخالف رژیم بهره ببریم . هر جنبش عدوسی که عر اعتراض و اعتصاب را ترویج کنیم و از آن در جهت گسترش نمایان مصالحه مردم بهره ببریم . پس باین دلیل است که جبهه آزاد بیخشن ملی ایران اعلام میکند که " در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را روش اساسی خود قرار میدهد " . طبیعی است جنبش ناگزیر و در عین حال آماده است تا از هر فرصت سیاسی و اجتماعی در آید بهره ببرد و با تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی که تاکنیکهای خود را منطبق سازد بی آنکه تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد " .

## اعتصاب تاکسیرانان اصفهان

روز پنجشنبه ۲۳ شهریورماه ۱۳۵۱ کلیه رانندگان تاکسی در اصفهان ۲ بعلمت فشارهای بیحد و حصر شهرداری و اعتراض باخطارهای جدید شهرداری که برای آنها غیر قابل اجراست دست از کار کشیدند . در اصفهان حدود هزار و دویست دستگاه تاکسی وجود دارد که کلیه آنها در روز اعتصاب در کارا و عا مانده اند . مقامات شهرداری ، استانداری و سازمان امنیت مثل همیشه سخت بدست و پا افتاده و با اعمال فشار و تهدید به رانندگان و متدیکهای تاکسیرانان کوشش نمودند بااعتصاب پایان دهند . روزنامه کیهان هوائی ۲۳ شهریور خیر مختصری در این باره منتشر کرده است .

مجلسه هفتم

مختصری در باره خصوصیت سازمانی و . . . . .

واقع یکسال و نیم اخیر ( با وجودیکه زمان کوتاهی است ) نشان میدهد که چگونه اقدامات مسلحانه چریکی روی مبارزات سیاسی و فلسفی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش و روشنگران اثر گذارند و آنها امکان بروز و نمایش داده است . اعتصاب و نظامات خونین کارگران جیت باقی چنان که اعتصاب کارگران پازیشگاه آبادان ، اعتصابات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و سایر اعتصابات و اعتراضات بزرگه و کوچک کارگران و دهقانان در نقاط مختلف ایران و اعتراضات و اعتصابات فرهنگیان و دانش جویان در دانشگاههای سراسر کشور هتکی نشان دهند تاثیر مبارزات مسلحانه در بحرکت آوردن توده های محروم و نیروهای خلق طبقه رژیم شاه است . بیهوده بگر سخن مبارزات اقتصادی و هتکی که روز بروز وسعت میگردد که بدون اثر مسلط مستقیم با گروههای سیاسی - نظامی انجام میدهد بزرگه و این تحت حمایت و تاثیر عمیق جنبش مسلحانه است . جنبش علاوه بر تکیه روی تلفیق مبارزات مسلحانه با مبارزات سیاسی - فلسفی و اقتصادی روزبزه توده ها که باین نکته مهم توجه داشته و هم چنین آماده است که از هر فرصتی که در آید بهره برد آید که بدون غافلگیری در صحنه سیاسی منطبق ساخته و در عین حال میدان را برای ایرونیستهای چپ و راست خالی نگدارد . بدون اینکه تسلیم خوشبختی خود شده و تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد . در این زمینه -

انلامیسه جبهه آزاد بیخشن ملی ایران توضیح میدهد :

" ما باید از کلیه نمایان مخالف رژیم بهره ببریم . هر جنبش عدوسی که عر اعتراض و اعتصاب را ترویج کنیم و از آن در جهت گسترش نمایان مصالحه مردم بهره ببریم . پس باین دلیل است که جبهه آزاد بیخشن ملی ایران اعلام میکند که " در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را روش اساسی خود قرار میدهد " . طبیعی است جنبش ناگزیر و در عین حال آماده است تا از هر فرصت سیاسی و اجتماعی در آید بهره ببرد و با تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی که تاکنیکهای خود را منطبق سازد بی آنکه تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد " .

نکته مهم در این زد و خورد ، بیان دیگر چریکیا در وجه عالی رژیم و احترام عمیق بتوده ها و رعایت کامل شرف و مسرد انگلی حتی در سخت ترین لحظات زندگیش بوده است . در این باره نقل قول از یک روزنامه مزدور رژیم اثبات دعاست :

روزنامه کیهان ضمن ترفیح جریان واقعه میگوید :

" . . . . بتول ناخنی مادر خانوادہ ای که احمد زبیرم در خانه شان کشته شد ماجرا راجعین بازگو کرد : من تازه از خواب بلند شده بودم . شوهرم ابو القاسم تازه از مسجد برگشته بود و در حیاط نشسته بود . بنگ فرم در پیچیده دیدم مردی که لباسهایش خونین است ( زبیرم قبلا تیر خورده بود ) اطمینان بدست روی پشت یام ایستاده است . بعد از نرد بان یاکین آمد و سگینه و پسر کوچک را به زیر زمین برد و هتدی روی بله ها ایستاد و پشت باصهای اطراف را نگاه میکرد . . . . باواصرار کردم که بگذارد منم پیش جبهه هایم بروم ولی او میگفت با توکاری ندارم مادر . بعد هم از من چادر خواست منم یک چادر کهنه باو دادم و آن را به کمرش بست . مقداری پول هم از جیبش در آورد و خواست پول چادر را بدهد ولی من قبول نکردم . وقتی من باز هم اصرار کردم که بگذارد من پیش جبهه هایم بروم موافقت کرد و مرا به زیر زمین ببرد " .

اعتماد انقلابی معتمد طاهری  
صبحگاه روز یکشنبه ۲۶ مرداد ۵۱ در ساعت ۶ و ده دقیقه حکم اعدام انقلابی خلق در مورد مرتجع معتمد طاهری جلالت توسط یک گروه از نمایان خلق بمورد اجرا گذاشته شد . بعد از اجرای حکم سلاح کمری و کلاه نظامی طاهری خاشاک و قاتل مصادر شد و مجاهدین بسلامت بیابگاه خود بازگشتند . ( مشروح این عمل انقلابی و قهرمانانه در اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران که در همین شماره چاپ شده است . آمده است )

### نیسادت سخاوتانه مهدی رضائی از مجاهدین خلقی

مهدی رضائی هنگام شهادت ۱۹ سال و دو ماه داشت . او از افراد برجسته سازمان مجاهدین خلق ایران بود . برادرش احمد چند ماه پیش در برخورد با نیروهای دشمن دلاورانه شهید شد و

مجلسه هفتم

واقع یکسال و نیم اخیر ( با وجودیکه زمان کوتاهی است ) نشان میدهد که چگونه اقدامات مسلحانه چریکی روی مبارزات سیاسی و فلسفی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش و روشنگران اثر گذارند و آنها امکان بروز و نمایش داده است . اعتصاب و نظامات خونین کارگران جیت باقی چنان که اعتصاب کارگران پازیشگاه آبادان ، اعتصابات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و سایر اعتصابات و اعتراضات بزرگه و کوچک کارگران و دهقانان در نقاط مختلف ایران و اعتراضات و اعتصابات فرهنگیان و دانش جویان در دانشگاههای سراسر کشور هتکی نشان دهند تاثیر مبارزات مسلحانه در بحرکت آوردن توده های محروم و نیروهای خلق طبقه رژیم شاه است . بیهوده بگر سخن مبارزات اقتصادی و هتکی که روز بروز وسعت میگردد که بدون اثر مسلط مستقیم با گروههای سیاسی - نظامی انجام میدهد بزرگه و این تحت حمایت و تاثیر عمیق جنبش مسلحانه است . جنبش علاوه بر تکیه روی تلفیق مبارزات مسلحانه با مبارزات سیاسی - فلسفی و اقتصادی روزبزه توده ها که باین نکته مهم توجه داشته و هم چنین آماده است که از هر فرصتی که در آید بهره برد آید که بدون غافلگیری در صحنه سیاسی منطبق ساخته و در عین حال میدان را برای ایرونیستهای چپ و راست خالی نگدارد . بدون اینکه تسلیم خوشبختی خود شده و تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد . در این زمینه -

انلامیسه جبهه آزاد بیخشن ملی ایران توضیح میدهد :

" ما باید از کلیه نمایان مخالف رژیم بهره ببریم . هر جنبش عدوسی که عر اعتراض و اعتصاب را ترویج کنیم و از آن در جهت گسترش نمایان مصالحه مردم بهره ببریم . پس باین دلیل است که جبهه آزاد بیخشن ملی ایران اعلام میکند که " در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را روش اساسی خود قرار میدهد " . طبیعی است جنبش ناگزیر و در عین حال آماده است تا از هر فرصت سیاسی و اجتماعی در آید بهره ببرد و با تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی که تاکنیکهای خود را منطبق سازد بی آنکه تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد " .

نیسادت سخاوتانه مهدی رضائی از مجاهدین خلقی  
مهدی رضائی چریک قهرمانی که طی زد و خورد با مأمورین دشمن اسیر شده تمام شکنجه های فزون و سزائی جلالتان رژیم را با شجاعت بی نظیری تحمل کرد ولی هیچ ننگت . رژیم خیلی کوشش کرد شاید بتواند اراده آهنین این سوار لاجوج را درهم بشکند و ابرو او را بریده لایم کند . وده های پیمان باور داده شد تا آنجا که حتی در بیدارگاه نظامی و ناپیشی که رژیم برای او ترتیب داد از این کوشش دست نکشید . ولی مهدی با بیخند به تمام رنده های آنان و دفاع بیانانه ، آنها را شکست داد . مأمورین دست رژیم شاه پس از هر جلسه دادگاه شده بدترین شکنجه و توهین را نسبت با اعمال میداشتند . آنها از اینکه مهدی رضائی با دلیری و در عین حال آگاهی قابل توجه پس بدفاع پرداخته و جواب های دندان شکن بدادستان نظامی میداد خشمگین بودند . آنها از او میترسیدند که در مقابل ابطال دادستان چیزی نگوید و بخصوص به " خانوادہ جلیل سلطنت سلطنت " اسامه ادب نکند . ولی او طعیرم این شکنجه هادر رژیم پیش از پیش برده و دری از رژیم فاسد و " خاندان جلیل " می برد از . حتی روزنامه های مزدور و فرمایشی که تنها به چاپ سخنرانیهای مبتذل دادستان و اراجیف باصلاح وکلای مدافع اکتفا کرده بودند نوشتند که :

" مهدی رضائی اسریر گلیه اتهامات خود را جز ضدیت با سلطنت مشروطه را رد کرد " رژیم که از اینجمله دلاری مهدی رضائی زخم دار شده بود ، پس از محکومیت او باعدم شکنجه او را بحد اعظم رساند . گفته میشود که مهدی را قبل از انقضای دوره فرجام قانونی زیر شکنجه کشتنک و سپس اعلام کردند که مهدی رضائی در ۱۶ شهریور ۵۱ تیرباران شده است .

### برهیدن پاسکاهای پلیس از خیابانهای تهران - اهواز - اصفهان و شهرهای بزرگ

از آنجا که پاسکاهای پلیس که سرچهارراه های خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ برای ایجاد مزاحمت برای مردم و کنترل بیشتر انقلابیون مد فهای خوبی برای حمله چریکیا بود و تاکنون چندین واحد از آنها بوسیله چریکیا نابود شده بود ، لذا بدست مقامات ملکی این پاسگاه ها برجیده شده اند .

خبر دیگری حاکی است که شهرداری و ارتش بافسران و درجه دارن خود دستور داده است که در مواقع مرخصی از پوشیدن لباس افسری خوداری کنند .

### سیاست توطئه سکوت کامل در مورد عملیات مسلحانه چریکی

رژیم شاه که در اثر ضربات هلاکت بار بیشتر اولان جنحربالحت نافع کامل در آید تصمیم گرفته کوچکترین اطلاعی در مورد عملیات چریکیا ندهد .

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنهاراه رسیدن به آزادی است !

# عملیات و رویدادهای جنبش مسلحانه

انفجار و آتش‌سوزی در مخازن نفت و بنزین در یازگان  
باشگاه تهران

در ساعت ۹/۲۰ روز دوازدهم دیماه ۵۱ انفجار مخازن نفت و بنزین باشگاه آتش‌گشایه مشهد و عملیات مبارزه کردن آتش خاموش‌کردن آن توسط ماشینهای آتش‌نشانی سازمانها طول میکشد. مقامات پلیس و ارتش که از نظر چریکها به پایگاههای ارتش سخت‌پوش هستند اخطار و نگران شده بودند برای نتیجه مطلوب، فوراً اعلام کردند که معینی و انفجار در اثر بی‌احتیاطی راننده تانکر نفت بوده است.

اعلامه های چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق  
در باره مسافرت نیکسون به ایران

چریکهای فدائی خلق ایران طی اعلامیه مورخ ۵۱/۳/۱۱ خود اعلام داشته‌اند که عملیات زیر که به‌مناسبت مسافرت نیکسون، سرانجام جنبانگاران جهان، با ایران انجام گرفته توسط چریکهای فدائی خلق اجرا شده است: انفجار راننده پلیس کویا، ساختمان روشن اسود جنرال و توری، شرکت نفت صارین، دفتر شرکت‌های عامل نفت، نابود کردن دو اتومبیل اداره مستشاری نظامی آمریکا در مقابل هتل انترناشنال و چند انفجار در مسیر حرکت نیکسون به یازگان رضایان.

صیحه‌اشدین خلق در اعلامیه مورخ ۵۱/۳/۱۰ (اعلامه شماره ۳) عملیات زیر را که به‌سبب مناسبت انجام گرفته از خود دانسته‌اند:

انفجار حامل ژنرال هارولد پرایس امریکائی - انفجار در اداره اطلاعات آمریکا - انفجار در قفسور رضاخان چند لخته قبل از ورود نیکسون برای گذاشتن دست گل - انفجار در ساختمان انجمن ایران و آمریکا - انفجار در ساختمان انجمن ایران و انگلیس.

تیسرید مسلحانه عباس جمشیدی رودباری از فرماندهان چریکهای فدائی خلق

در روز شنبه ۱۲ که بین جمشیدی رودباری چریک دلاور و مأمورین دشمن در ساعت ۶ صبح روز ۱۵ خرداد ۵۱ در خیابان لاله زار تهران رخ می‌دهد، جمشیدی رودباری چریک از جانب چنانچه از پای در آورده بودند، تن از عوامل دشمن شهید میشوید. مطالب تصویر است که این چریک تهران در موقع برخورد مسلحانه با دشمن تمام کوشش‌هایش را صرف کرده در این برخورد، مسلحانه به مردم کویچکسوس آسود نرسد. عباس جمشیدی رودباری در بسیاری از تصاویر مسلحانه چریکی شرکت داشت و با بی باکی و در همین حال آرامش بی‌نظیر رهبری چند فقره از عملیات را به‌عهده داشته. عباس رودباری همی هم، در نبرد روز ۱۰ سپتامبر ۵۰ با نیروهای دشمن جنگید. در این روز همی رودباری با مسلسل جنگید و دلاوری او موجب شد که جمشیدی رودباری واحد زورم بتواند فرار کند.

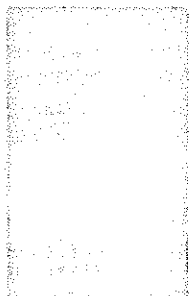
انفجار بمب در انجمن ایران و آمریکا شمس‌ساز

در روز سه شنبه ۱۲ مرداد ۵۱ انفجاری در انجمن ایران و آمریکا رخ می‌دهد که شمس‌ساز به خسارت‌های زیادی ساختمان و تاسیسات می‌دهد.

تیسرید ساعتی محمد صفاری آشتیانی از رهبران و فرماندهان چریکهای فدائی خلق ایران  
سازنده در صفحه پنجم



محمد صفاری آشتیانی  
ساعتی قیسروسان  
دوشین از چریکهای فدائی خلق  
ویک تن از مجاهدین خلق بودند  
رای هر سه تن برای یک هدف، سرنگونی  
رژیم شاه جنگیدند و شهید شدند.



## فهرست عوامل رژیم

عملیات ضدین چریکهای شهری بخصوص در زمینه تازید کردن عوامل سر میروند. ی رژیم ۲ مأمورین منفور ساواک و اطلاعات شهبانی ۲ چنان تریس در این مأمورین ایجاد کرده است که از حد خارج است. از آنجا که معمولاً عملیات چریکهای شهری در تهران و شهرهای بزرگ انجام میگیرد، اینها برای فرار از انتقام پیش‌تر اولان خلق کوشش میکنند خود را به شهرستانها و قصبه‌ها در افتاده منتقل کنند، در حالیکه تا قبل از شروع مبارزات مسلحانه همه‌ی اینها صغسی داشتند در پایتخت و شهرهای بزرگ که از امکانات و نسلات بیشتری برخوردارند. بمانند.

کوشی این ظلم تنظیم اقتصادی کافی نبود، مردم بلوچستان، مانند سایر ملتهای اقلیت ایران، از استقلال فرهنگی نیز بیبهره‌اند. در بلوچستان ایران هرگونه مظهر فرهنگ زنده بلوچ سرکوب میگردد و از برقرار کردن تاصهای فرهنگی با سایر قسمتهای بلوچستان در پاکستان و هند در صفحه ششم

## روحیه عالی مردم

جنبش مسلحانه چریکی در تقویت روحیه مبارزه جویانه و مقاومت مردم ما نیز نقش عمده‌ای داشته است. یاس و بد بینی و عدم اعتماد بنفسی که نتیجه‌ی ساند در صفحه چهارم

## سجگرو میت لسه شیر زن

### جنبش مسلحانه در بلوچستان

بیدار نگاههای نظامی سه شیر زن دلیر: اشرف دهقانی (جمله پیرایه‌های ایران) - شهیدین توکلی و رقیبه دانشگر را پس از شکنجه‌های غیر انسانی و طولانی به‌صفاکه کشانند و هر کدام را به ده سال زندان محکوم کردند. اشرف دهقانی که به جلیله‌ی ایران معروف شده است به‌مناسبت تحمل شکنجه‌های وحشیانه و مقاومت دلیرانه در مقابل دشمنان بیست فریادیه و اصالح شرم آور آنان که زبان از بیان آنها شرم دارد، حماسه جلیله را کهنه کرد. دوشین شیرین دیگر: شهیدین توکلی (همسر قهرمان شهید سعید آریسن) و رقیبه دانشگر نیز گلیم شکنجه‌های غیر انسانی جلادان منفور ساواک را با استقامت و پایداری بی‌نظیری تحمل کردند و به شرف و آبروی مبارزه خونین با رژیم شاه و تدارک رساندند.

خلق بلوچستان بدین شک یکی از فقیرترین خلقهای روی زمین است. در این قرن جاری استعمار شدیدی مالکین و مأمورین دولت ایران، بافاضه‌ی بسته شدن جریان رود هیرمند توسط افغانستان، چنان اقتصاد روستائی و عقب افتاده‌ی این سرزمین را بی رونق تر از گذشته نموده که قطعی و شیوع امراض سرری پدیده‌های آشنا و پیش‌پا افتاده‌ی برای مردم گشته‌اند. همانطوریکه میدانیم بعضی از معلمین بلوچستان هر روز مجبورند که محصلین خود را برای جرا به مزارع ببرند و البته غلغله‌خواری احتیاجات غذائی انسان را بر طرف نمیکند و بالاخره منجر به مرگ میگردد.